

۱۹۹۵؛ ابن سعد (قاهره)؛ ابن عثبه، عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، چاپ محمد حسن آل طالقانی، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ خطیب بغدادی؛ شوشتری؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفهانی، قم ۱۴۱۵؛ کلینی؛ عبدالله مامقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ محیی الدین مامقانی، ۱۴۲۳-؛ یعقوبی، تاریخ؛

EF², s.v. "Al-Hasan b. Zayd b. al-Hasan" (by Fr. Buhl).

/محمد حسن سعیدی/

حسن بن زید بن محمد، ملقب به داعی کبیر، بنیانگذار سلسله علویان* طبرستان در سده سوم، از سادات بنی الحسن. پدرش زید بن محمد بن اسماعیل بن زید بن حسن از سادات بنی الحسن ساکن در مدینه و مادرش دختر عبداللہ بن عبیداللہ اعرج بود (بیهقی، ج ۱، ص ۲۵۶). حسن بن زید نیز روزگار جوانی خود را در مدینه به سربرد (ابن اسفندیار، ج ۱، ص ۹۴). وی احتمالاً در قیام یحیی بن عمر شرکت داشته است. بعد از سرکوب این قیام و تشدید سیاستهای ضد علوی متوکل، خلیفه عباسی، سادات حجاز و عراق به نواحی مرکزی ایران مهاجرت کردند. ظاهراً در همین اوان بود که حسن بن زید به ری رفت و در آنجا اقامت گزید (صابی، ص ۱۸، ۲۰؛ حاکم چشمی، ص ۱۲۷). بعد از وقوع شورش در طبرستان در سال ۲۵۰ گروهی از اهالی به راهنمایی یکی از علویان ساکن در طبرستان به ری رفته و از حسن بن زید دعوت کردند تا رهبری آنان را بپذیرد. وی نیز از ری به طبرستان رفت و بیشتر مردم طبرستان و امیران محلی دیلم*، چون جستانیان، با وی در رمضان ۲۵۰ بیعت کردند (محمد بن جریر طبری، ج ۹، ص ۲۷۱؛ حمزه اصفهانی، ص ۱۷۰، ۱۷۴؛ صابی، ص ۲۰؛ برای اطلاع از مناسبات امیران جستانی و حسن بن زید - جستانیان*).

حسن بن زید برای بیرون راندن طاهریان از طبرستان، نخست به آمل حمله کرد. پس از تصرف آمل، رو به ساری نهاد و با تصرف ساری، سراسر طبرستان به سیطره حسن بن زید درآمد (محمد بن جریر طبری، ج ۹، ص ۲۷۱-۲۷۲؛ صابی، ص ۲۱؛ ابن اثیر، ج ۷، ص ۱۳۲-۱۳۳). اندکی بعد، حسن بن زید سپاهی به فرماندهی یکی از خویشانش، که همام او بود، برای فتح ری فرستاد. این فرمانده به شهر وارد شد و حاکم طاهری آنجا را بیرون راند و محمد بن جعفر علوی را به حکومت ری گمارد و خود به طبرستان بازگشت. حکومت محمد بن جعفر دوامی نداشت و نارضایتی مردم زمینه بازگشت طاهریان را به ری فراهم کرد، اما به زودی سرداران حسن بن زید ری را گرفتند (محمد بن جریر طبری، ج ۹، ص ۲۷۵). به این ترتیب، تمام طبرستان و بخش وسیعی از دیلم و ری به تصرف حسن بن زید

درآمد (همانجا؛ مسعودی، ج ۵، ص ۶۶). وی سپس، به تبلیغ آیین خویش (زیدی) پرداخت و داعیان را به دماوند، فیروزکوه و حدود ری فرستاد (ابن اسفندیار، ج ۱، ص ۲۳۱).

گسترش متصرفات حسن بن زید و محبوبیت او در بین مردم کوفه و سامرا، موجب هراس خلیفه عباسی، معتز، شد. او در سال ۲۵۳، برای سرکوبی حسن بن زید، سپاهی به فرماندهی موسی بن بغا به سوی طبرستان فرستاد (محمد بن جریر طبری، ج ۹، ص ۳۷۰، ۳۷۳). موسی بن بغا در همدان مستقر شد و مقلح را برای تصرف ری روانه کرد. مقلح پس از گرفتن قزوین و ری در ۲۵۵، وارد طبرستان شد. در نبرد مقلح و حسن بن زید، حسن بن زید شکست خورد و به دیلم گریخت. مقلح به آمل رفت و پس از سوزاندن خانه های علویان، در پی حسن بن زید روانه دیلم شد. در همین هنگام، موسی بن بغا به مقلح پیغام داد که از تعقیب حسن بن زید دست بردارد و در ری به وی پیوندد. ظاهراً برکناری معتز از خلافت و مرگ او دلیل این تصمیم بود (همان، ج ۹، ص ۳۸۲، ۳۸۹، ۴۰۶). با رفتن موسی بن بغا و مقلح به سامرا در ۲۵۵، حسن بن زید به آمل بازگشت و سال بعد، ری را گرفت. او همچنین در ۲۵۷ گرگان و در ۲۵۹ قومی را ضمیمه متصرفات خود کرد (همان، ج ۹، ص ۴۷۴، ۵۰۶؛ ابن اثیر، ج ۷، ص ۲۴۸).

حسن بن زید در ۲۶۰ با حمله یعقوب لیث به طبرستان روبه رو شد. بهانه یعقوب برای حمله به طبرستان دستگیری عبداللہ بن محمد سجزی بود که بر او شوریده بود. یعقوب نخست ری را گرفت. ظاهراً یعقوب به حسن بن زید پیغام داده بود تا عبداللہ بن محمد سجزی را تحویل دهد. چون حسن بن زید سرباز زد، یعقوب لیث آهنگ نبرد با وی را کرد. در آغاز جنگ، حسن بن زید گریخت و به کوهستانهای دیلم پناه برد. یعقوب ساری و آمل را گرفت و در پی حسن بن زید به کوه های دیلم رفت. موقعیت جغرافیایی آب و هوایی دیلم، کار را برای سپاهیان یعقوب دشوار ساخته بود. سرانجام بارانی که چهل روز پایی بارید، یعقوب را ناگزیر به عقب نشینی کرد (محمد بن جریر طبری، ج ۹، ص ۵۰۸-۵۰۹). حسن بن زید در ۲۶۱، پس از رفتن یعقوب به سیستان، به طبرستان بازگشت. به دستور او، علویان به انتقام همراهی مردم چالوس با یعقوب، آن شهر را به آتش کشیدند (ابن اثیر، ج ۷، ص ۲۸۸).

در این هنگام، اوضاع طبرستان ناآرام بود و در گرگان که برادر حسن بن زید، محمد، بر آن حکومت می کرد، گروهی از دیلمیان نافرمانی می کردند؛ از این رو، به دستور حسن بن زید، دست و پای هزار مرد دیلمی را، برای عبرت دیگران، بریدند. او همچنین در آمل گروهی از مخالفان خود را به قتل رساند (ابن اسفندیار، ج ۱، ص ۲۴۳، ۲۴۷-۲۴۸). به این ترتیب،

ص ۲۰) و مشهور به حالب / جالب الحجارة بوده است (ابن اسفندیار، ج ۱، ص ۹۴). بیهقی (ج ۱، ص ۲۴۶) این لقب را با توضیحاتی درباره معانی آن از آن اسماعیل بن حسن بن زید نیای حسن بن زید دانسته است. صفدی (ج ۱۲، ص ۲۰-۲۲)، احتمالاً به نقل از کتاب اخبار الخلفاء صولی، حسن بن زید را شاعر و آگاه به نقد شعر معرفی کرده و اشعاری نیز از وی نقل کرده است.

منابع: ابن اثیر؛ ابن اسفندیار، تاریخ طبرستان، چاپ عباس اقبال آشتیانی، تهران [؟ ۱۳۲۰ ش]؛ عبدالله بن عیسی افندی اصفهانی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، چاپ احمد حسینی، قم ۱۴۰۱-؛ ابونصر سهل بن عبدالله بخاری، سُر السلسلة العلویة، چاپ محمدصادق بحر العلوم، نجف ۱۳۸۱/۱۹۶۲؛ علی بن زید بیهقی، لباب الأنساب و الألقاب و الأعقاب، چاپ مهدی رجائی، قم ۱۴۱۰؛ محسن بن محمد حاکم چشمی، نخب من کتاب جلاء الابصار، نقلها احمد بن سعدالدین سوری فی کتاب تحفة الأبرار، در اخبار ائمة الزیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان، چاپ ویلفرد مادلونگ، بیروت: المعهد الالماني للابحاث الشرقية، ۱۹۸۷؛ احمد بن ابراهیم حسنی، المصابیح، چاپ عبدالله حرثی، صنعاء ۲۰۰۲/۱۴۲۳؛ حمزة بن حسن حمزة اصفهانی، تاریخ سنی ملوک الأرض و الأنبياء علیهم الصلاة والسلام، بیروت: دارمکتبة الحیة، [بی تا]؛ ابراهیم بن هلال صابی، کتاب المنتزع من الجزء الاول من الکتاب المعروف بالتاجی فی اخبار الدولة الدیلمیة، در اخبار ائمة الزیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان، همان؛ صفدی؛ احمد بن موسی طبری، المنیر علی مذهب الامام الهادی یحیی بن الحسن علیهما السلام، چاپ علی سراج الدین عدلان، صعدة، یمن ۲۰۰۰/۱۴۲۱؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ (بیروت)؛ علی بن محمد عمری، المجدی فی انساب الطالبیین، چاپ احمد مهدوی دامغانی، قم ۱۳۸۰ ش؛ عبدالحی بن ضحاک گردیزی، تاریخ گردیزی، چاپ عبدالحی حبیبی، تهران ۱۳۶۳ ش؛ مسعودی، مروج (بیروت).

/ علاء الدین آذری /

حسن بن زین الدین عاملی ← صاحب معالم

حسن بن سعید اهوازی ← حسین بن سعید اهوازی

حسن بن سفیان نسوی، محدث و فقیه خراسانی در قرن سوم، اصل او از روستای بالوز در سه فرسخی نسا، از شهرهای خراسان، بود (ابن عساکر، ج ۱۳، ص ۱۰۵؛ ابن نقطه، ص ۲۳۱) و از این رو وی را نسوی یا نسایی و بالوزی خوانده‌اند (ابن ابی حاتم، ج ۳، ص ۱۶؛ سمعانی، ج ۱، ص ۲۷۰). کنیه‌اش ابوالعباس بود که استادش، ابوالحسن علی بن حجر سعدی (متوفی ۲۴۴)، آن را به وی داد (سمعانی، همانجا؛

طبرستان را آرام کرد و تا سال ۲۶۶، بدون دغدغه، بر آنجا حکومت راند. در این سال، احمد بن عبدالله خُجستانی، از امرای صفاری، به گرگان حمله کرد. حسن بن زید، که غافلگیر شده بود، شکست خورد و به آمل رفت. در همین هنگام، حسن عقیقی، نایب حسن بن زید در ساری، ادعا کرد که حسن بن زید کشته شده است و برای خود از مردم بیعت گرفت. حسن بن زید به ساری رفت و حسن عقیقی را کشت (ابن اثیر، ج ۷، ص ۳۳۵). حسن بن زید پیش از مرگ، برادرش محمد را به جانشینی خود برگزید. او در رجب یا شعبان ۲۷۰، بر اثر بیماری، درگذشت (محمد بن جریر طبری، ج ۹، ص ۶۶۶؛ ابن اثیر، ج ۷، ص ۴۰۷؛ افندی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۸۸). تنها فرزند او دختری بوده که پیش از سن ازدواج درگذشته است (بخاری، ص ۲۶؛ بیهقی، ج ۱، ص ۲۵۶؛ قس افندی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۸۹ که از دو تن از علویان با عبارت گمان می‌کنم به عنوان نوادگان حسن بن زید یاد کرده است). ابن اسفندیار (ج ۱، ص ۲۴۹)، ابوالحسین احمد بن محمد بن ابراهیم را داماد حسن بن زید معرفی کرده، که به معنای شوهر خواهر وی است. گردیزی (ص ۱۸۵) و ابن اثیر (ج ۷، ص ۴۰۷-۴۰۸) وی را مردی معتقد، بخشنده و فقیه ذکر کرده‌اند که همه ساله هزار دینار برای مرد پارسایی در بغداد می‌فرستاد تا وی آن را میان علویان شهر تقسیم کند (قس ابن اسفندیار، ج ۱، ص ۹۵ که این عمل را به محمد بن زید نسبت داده است). همچنین حسن بن زید به برپایی شعائر شیعی توجه فراوانی داشت، از جمله دستور داد تا عبارت «حی علی خیر العمل» در اذان ذکر شود، از «مسح بر خُفین» نهی کرد و با دیدگاه‌های جبری و تشبیهی و عقیده به قدّم قرآن به تندی برخورد می‌کرد و در این باره بخشنامه‌ای به نواحی مختلف تحت حکومت خود فرستاده بود (برای متن این بخشنامه ← حاکم چشمی، ص ۱۲۸-۱۲۹؛ ابن اسفندیار، ج ۱، ص ۲۴۰-۲۴۱). رفتار وی با مخالفانش نیز گاهی تند بوده است (ابن اسفندیار، ج ۱، ص ۲۴۲) و از این حیث بر او انتقاد کرده‌اند (بخاری، ص ۲۷۰-۲۷۱؛ عمری، ص ۲۱۸). در سنت رسمی زیدیه نیز وی امام شناخته نمی‌شود (ابن اسفندیار، ج ۱، ص ۲۴۱؛ طبری، ص ۱۷۲؛ حسنی، تتمیم آملی، ص ۶۰۳). ظاهراً به دلیل همین رفتارها بود که گروهی از زیدیان طبرستان نامه‌ای به ابوجعفر زیاره، جدّ خاندان بنو زیاره نیشابور در مدینه، نگاشتند و ضمن شکایت از رفتارهای حسن بن زید، از او خواستند تا برای امامت زیدیان به آنجا برود (بیهقی، ج ۲، ص ۴۹۲). ابوجعفر زیاره نیز به طبرستان رفت، اما در آنجا با پیمان‌شکنی روبه‌رو شد و در نبردهایی که میان وی و حسن بن زید درگرفت، شکست خورد و راهی آبه (آوه) شد و در آنجا سکنا گزید (همانجا). حسن بن زید از نظر جسمی، فردی قوی (صفدی، ج ۱۲،